



The University of Tehran Press

## Prevention of rape in the criminal policy of Islam and Iran

Ebrahim Mottaharifar<sup>1</sup> | Mahmoud Qayyumzadeh<sup>2\*</sup> | Mohammad Rasool Ahangaran<sup>3</sup>

1. Department of Criminal law and criminology, Faculty of Humanities, Saveh branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran. E-mail: [emotahari@stu.iau-saveh.ac.ir](mailto:emotahari@stu.iau-saveh.ac.ir)

2. Corresponding Author, Department of Islamic teachings, Faculty of Humanities, Saveh branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran. E-mail: [maarefteacher@yahoo.com](mailto:maarefteacher@yahoo.com)

3. Department of jurisprudence and fundamentals of Islamic law, Faculty of Theology, College of Farabi, Qom, Iran. E-mail: [ahangaran@ut.ac.ir](mailto:ahangaran@ut.ac.ir)

### ARTICLE INFO

#### Article type:

Research Article

#### Article History:

Received: 12 May 2024

Revised: 13 August 2024

Accepted: 15 August 2024

Published online: 28 September 2024

#### Keywords:

*Crime Prevention,*  
*Criminal Policy of Islam,*  
*Iran,*  
*Islamic Jurisprudence*

### ABSTRACT

Forced adultery is one of the crimes that lead to the violation of public modesty and leaves destructive effects on the psyche and health of the victim of this crime. The destructive consequences of this crime are so numerous and unfortunate that the laws have determined severe punishments for it. Criminalization of adultery has been done in our legal laws due to the influence of Islamic jurisprudence. The severity of the reaction to this crime in the laws shows the importance of preventing it. Undoubtedly, it is very important to take preventive measures against rape. These measures can often be realized in two ways: 1. Through criminal solutions, 2. Through social work and action measures. This research is written by examining and comparing researches and other scientific achievements with a descriptive-analytical method, and it tries to identify the most important components of the prevention of forced adultery in the penal policy of Islam and Iran. This research has found that the prevention of forced adultery in Islamic criminal policy and jurisprudence, especially in Iran, has special criminological components that should always be paid attention to, including social and situational prevention, control of potential criminals, protection of criminals and crime targets, educational measures in the family and social environment, reduction of irritants, cultural and socialization measures, promotion of religious values and Islamic hijab, and police measures to prevent the occurrence of this crime of rape.

**Cite this article:** Mottaharifar, E.; Qayyumzadeh, M. & Ahangaran, M. R. (2024). Prevention of rape in the criminal policy of Islam and Iran. *Islamic Jurisprudential Researches*, 20, (3), 247-257.

**DOI:** <http://doi.org/10.22059/jolt.2022.350041.1007137>



**Author:** Ebrahim Mottaharifar, Mahmoud Qayyumzadeh, Mohammad Rasool Ahangaran

**Publisher:** University of Tehran Press.

**DOI:** <http://doi.org/10.22059/jolt.2022.350041.1007137>



دانشگاه تهران

## نشریه پژوهش‌های فقهی

سایت نشریه: <https://jorr.ut.ac.ir/>

شاپا الکترونیکی: ۶۱۹۵-۴۴۲۳

### پیشگیری از زنا به عنف در سیاست کیفری اسلام و ایران

ابراهیم مطهری فر<sup>۱</sup> | محمود قیوم‌زاده<sup>۲\*</sup> | محمدرسول آهنگران<sup>۳</sup>

۱. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران. رایانامه: [emotahari@stu.iau-saveh.ac.ir](mailto:emotahari@stu.iau-saveh.ac.ir)
۲. نویسنده مسئول، گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران. رایانامه: [maarefteacher@yahoo.com](mailto:maarefteacher@yahoo.com)
۳. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشکدگان فراباری دانشگاه تهران، قم، ایران. رایانامه: [ahangaran@ut.ac.ir](mailto:ahangaran@ut.ac.ir)

#### اطلاعات مقاله

#### چکیده

#### نوع مقاله:

پژوهشی

#### تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۲۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۵/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۷

#### کلیدواژه:

پیشگیری از جرم،

زنا به عنف،

سیاست کیفری اسلام و ایران،

فقه اسلامی.

زنا به عنف از جرایمی است که منجر به خدشه‌دار شدن عفت عمومی می‌شود و آثار مخربی بر روان و سلامت قربانی این جرم به جا می‌گذارد. پیامدهای مخرب این بزه تا حدی زیاد و ناگوار است که قوانین اشد مجازات را برای این جرم تعیین کرده‌اند. جرم‌انگاری در مورد بزه زنا به عنف در قوانین حقوقی ما با توجه به تأثیر فقه اسلامی صورت گرفته است. شدت واکنش به این بزه در قوانین خود، بیانگر اهمیت موضوع پیشگیری از این جرم است. بدون تردید اتخاذ تدابیر پیشگیرانه از زنا به عنف دارای اهمیت فراوانی است. این تدابیر غالباً از دو طریق قابل تحقق است: راهکارهای کیفری و استفاده از مددکاری‌های اجتماعی و تدابیر کنشی. پژوهش با بررسی و مقایسه تحقیقات و دستاوردهای علمی دیگر با روش توصیفی-تحلیلی نگاشته شده و پژوهشگران درصدد برآمدن مهم‌ترین مؤلفه‌های پیشگیری از زنا به عنف در سیاست کیفری اسلام و ایران را مشخص کنند. این پژوهش نشان می‌دهد پیشگیری از زنا به عنف در سیاست کیفری اسلام و فقه و به‌ویژه در ایران مؤلفه‌های جرم‌شناختی ویژه‌ای دارد که باید همواره به آن‌ها توجه شود؛ از جمله پیشگیری اجتماعی و وضعی، کنترل بزهکاران بالقوه، حفاظت از بزهکاران و آماج‌های جرم، تدابیر آموزشی در خانواده و محیط اجتماعی، کاهش عوامل تحریک‌زا، تدابیر فرهنگی و جامعه‌پذیری، ترویج ارزش‌های دینی و حجاب اسلامی، اقدامات پلیسی جهت پیشگیری از وقوع جرم زنا به عنف.

**استناد:** مطهری فر، ابراهیم؛ قیوم‌زاده، محمود و آهنگران، محمدرسول (۱۴۰۳). پیشگیری از زنا به عنف در سیاست کیفری اسلام و ایران. پژوهش‌های فقهی، ۲۰ (۳)، ۲۴۷-۲۴۷. DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2022.350041.1007137>

© نویسندگان: ابراهیم مطهری فر، محمود قیوم‌زاده و محمدرسول آهنگران **ناشر:** مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2022.350041.1007137>



## مقدمه

روابط جنسی خارج از ازدواج در اکثر جوامع و در فرهنگ‌های مختلف مزمت می‌شوند. جرم زنا به عنف، که ناشی از ناهنجاری‌های اخلاقی است، با معیارهای مورد قبول بیشتر جوامع مغایرت دارد و نامتعارف محسوب می‌شود. بیشتر جوامع بشری تلاش می‌کنند به مبارزه و پیشگیری از این جرم بپردازند. در مقام پیشگیری از جرم زنا به عنف تردیدی نیست که شناسایی مناسب‌ترین و کارآمدترین شیوه‌ها برای پاسخ‌دهی به جرایم یکی از بنیادی‌ترین وظایف حاکمیت‌ها بوده است (حسانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۸) در واقع، هنگام برنامه‌ریزی کنش‌های نظام عدالت کیفری در برابر پدیده‌های گوناگون بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی باید در نظر داشت که همه انسان‌ها در طول زندگی خود در ارتکاب رفتارهای جامعه‌ستیزانه مشارکت دارند. بنابراین پیش‌بینی مناسب‌ترین و کارآمدترین پاسخ‌ها در برابر بزهکاری در شمار رسالت‌های بنیادین نظام‌های عدالت کیفری است. اعتیاد، علل روانی، تربیت ناصحیح خانواده، محیط اجتماعی ناسالم از عوامل بروز جرم‌اند.

یکی از گونه‌هایی که پاسخ‌دهی کنشی و واکنشی در برابر آن به دلایل گوناگون همواره با حساسیت‌هایی همراه بوده جرایم جنسی، به‌ویژه پیشگیری از جرم زنا به عنف، است و به دلیل واقعیات انکارناپذیر هم‌پیوند با خود مقتضی اجرای چهره‌های ویژه‌ای از واکنش‌ها بوده است.

با نگاهی به پیشینه موضوع مشاهده می‌شود که پژوهش‌های زیادی به بررسی جرم زنا به عنف پرداخته‌اند به عنوان نمونه (موسسه موضوع شناسی احکام فقهی) به بررسی موضوع‌شناسی عنف با رویکردی به احکام و شرایط زنا به عنف و جعفری (۱۴۰۰) به بررسی فقهی و حقوقی سقط جنین ناشی از زنا به عنف پرداخته است. بهرامی (۱۳۹۹) جرایم در حکم زنا به عنف در قانون مجازات اسلامی را بررسی و آن را با فقه امامیه مقایسه کرده است. پوربایگی (۱۴۰۲) نیز به چالش‌های فقهی زنا به عنف با تأکید بر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پرداخته است. نگاهی به این پیشینه نشان می‌دهد جنبه‌های مختلف زنا به عنف در پیشینه تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. اما هیچ‌یک به بحث پیشگیری از این جرم نپرداخته‌اند.

با توجه به پیشرفت‌های آشکار در قلمرو دانش جرم‌شناسی و در سده‌های گذشته، واکاوی جرم‌شناختی بزه زنا به عنف و سزادهی مقرر در آن اهمیت بسیاری دارد و می‌تواند به ارزیابی هر چه دقیق‌تر رویکردهای موجود در چارچوب‌هایی مانند کیفری ایران یا فقه اسلامی در این خصوص بینجامد. بر پایه این مراتب، این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی نوشته شده درصدد است به این پرسش پاسخ دهد که مهم‌ترین راهکارهای پیشگیری از زنا به عنف در سیاست کیفری اسلام و ایران چیست؟ تدابیر پیشگیرانه کنشی، پیشگیری اجتماعی از زنا به عنف، تدابیر آموزشی در خانواده و تدابیر آموزشی در نهادهای آموزشی، تدابیر اجتماعی، تسهیل ازدواج، کاهش عوامل تحریک‌زا، تدابیر فرهنگی، جامعه‌پذیری، ترویج ارزش‌های دینی و حجاب کامل اسلامی، پیشگیری وضعی از زنا به عنف، حفاظت از آماج‌های جرم، اقدامات پلیسی جهت پیشگیری از زنا به عنف، خارج کردن آماج از دست مجرمان، و تدابیر پیشگیرانه واکنشی و عام و خاص تا چه میزان در پیشگیری واقعی نقش دارند؟ برای دستیابی به این اهداف، پس از مطالعه مفهوم‌شناسی و خصوصیات آن، مبانی و علل رخداد و سرانجام مهم‌ترین پاسخ‌های پیشگیرانه فراروی آن بر پایه الگوی مداخلات جرم‌شناختی از نظر گذرانده می‌شود.

## ۱. مفهوم‌شناسی

این نوشتار به واکاوی جرم‌شناختی زنا به عنف می‌پردازد. از همین رو ارائه شناختی فراگیر از این جرم ضرورت دارد. در ادامه، مفهوم‌شناسی و نیز ویژگی‌های زنا به عنف بررسی می‌شود.

به زبان ساده می‌توان زنا را به برقراری رابطه جنسی میان مرد و زنی به جز همسر قانونی او، خواه در چارچوب نکاح دائم و خواه نکاح موقت، تعریف کرد. ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آن‌ها نبوده و از موارد وطی به شبهه نیز نباشد».

این جرم دو گونه دارد. زنا به عنف یا اکراه هنگامی است که زن در این جرم رضایتی به ارتکاب آن نداشته و در واقع بزه‌دیده زانی است. اما گونه دوم آن یا زنا طرفینی هنگامی است که زن نیز بدان رضایت داشته باشد.

ماده ۲۲۴ ق.م.ا. مقرر می‌دارد: «حد زنا در موارد زیر اعدام است:

مطابق بند ت در ماده ۲۲۴ ق.م.ا. اشعار می‌دارد که زنا به عنف یا اکراه از سوی زانی که موجب اعدام زانی است. به استناد تبصره ۲ ماده مذکور هرگاه کسی با زنی که راضی به زنا با او نباشد در حال بیهوشی، خواب، یا مستی زنا کند رفتار او در حکم زنا به عنف است. در زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید، و یا ترساندن زن اگرچه موجب تسلیم شدن او شود نیز حکم فوق جاری است».

حقوق دانان در تعریف اکراه چنین بیان می‌کنند که اعمال فشار مادی یا معنوی غیر قانونی بر دیگری به نحوی که او را برخلاف میل و به خاطر ترس از ورود صدمه به جسم و جان یا ضرر و زیان به انجام دادن کار یا ترک وظیفه‌ای وادار کند (ولیدی، ۱۳۸۰: ۱۵۹).

علاوه بر بررسی عوامل شخصی و محیطی باید به عوامل وضعی و سهم موقعیت بزه‌دیده در ارتکاب این دسته از جرایم نیز توجه شود. عواملی از قبیل علت روانی، اعتیاد، جنون، و حس انتقام از علل ارتکاب جرم زنا به عنف‌اند.

### ۱.۱. ویژگی‌های جرم زنا به عنف در سیاست کیفری اسلام و ایران

مطالعه جرم‌شناختی یک بزه در آغاز مستلزم آشنایی با هر یک از ویژگی‌های آن است. بنابراین در ادامه هر یک از ویژگی‌های زنا به عنف بررسی می‌شود.

#### ۱.۱.۱. قبح اجتماعی بالا

یکی از معیارهای سنجش جرایم گوناگون میزان قبح اجتماعی آن‌هاست که می‌تواند در تعیین میزان و شدت ضمانت اجرای کیفری تعریف‌شده برای آن نیز اثرگذار باشد. بر اساس این دیدگاه جرایم جنسی از دیرباز با قبح اجتماعی بالای خود شناخته شده‌اند و در نتیجه این جرایم همواره با واکنش کیفری کمابیش شدیدی در مقایسه با بسیاری از دیگر جرایم مشخص می‌شوند. با توجه به این ویژگی باید پذیرفت که به دلیل دامنه انبوه مخاطرات گوناگون و گاه بازسازی‌ناپذیر برخاسته از زنا به عنف لازم است تا آنجا که امکان دارد در راه پیشگیری از ارتکاب این بزه جنسی پریسک کوشش شود (کاظمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳).

#### ۱.۱.۲. ریسک زیاد

دیگر ویژگی بزه زنا به عنف ریسک زیاد آن است. از همین رو نظام کیفری باید تا آنجا که ممکن است با در پیش گرفتن رویکردهای عملیاتی مناسب از دامنه آثار ناگوار این بزه بکاهد و مدیریت کیفری مناسب آن را به همراه آورد. دلیل این پندار آن است که زنا در گروه جرایم جنسی جای دارد. در جرایم جنسی با عنف و اکراه بزه‌دیده، علاوه بر تعرض به جسم و تمامیت فیزیکی، از لحاظ روحی و روانی و حیثیتی نیز صدمات جبران‌ناپذیری می‌بیند. اگرچه صدمات جسمی و فیزیکی پس از مدتی بهبود می‌یابند، صدمات روحی و روانی و حیثیتی گاه تا آخر عمر بزه‌دیده را رها نخواهند کرد و همواره صدمات و تأثیرات اجتماعی آن با بزه‌دیده همراه خواهد بود (کاظمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳).

#### ۱.۱.۳. سزادهی شدید

ارتکاب زنا به عنف و اکراه به مجازات اعدام زانی منجر می‌شود. چالش‌های گوناگون هم‌پیوند با مجازات اعدام و به‌ویژه برگشت‌ناپذیری آن همواره به انتقادات بسیار از این مجازات انجامیده و حتی پدیداری جنبش‌های لغای مجازات اعدام را به همراه آورده است. با وجود این، دیده می‌شود که به دلیل ویژگی‌های پیش‌گفته بزه زنا به عنف در پیش گرفتن مجازات اعدام به عنوان یکی از دو گونه مجازات سالب حیات در آن با مخالفت چندان رویارو نیست. از همین رو سزادهی شدید زنا به عنف در مقایسه با دیگر جرایم جای‌گرفته در دسته جرایم جنسی یک ویژگی بسیار مهم آن دانسته می‌شود.

#### ۱.۱.۴. اهمیت جرایم مرتبط

زنا به عنف در شمار جرایمی است که خود به دلایل گوناگون با جرایم دیگری نیز ارتباط دارد. به این پدیده در دانش

جرم‌شناسی جرایم مرتبط یا کهکشانی گفته می‌شود. از همین رو پاسخ‌دهی مناسب کنشی و واکنشی در برابر آن اهمیت بسیار دارد. مثلاً، زنا‌ی به عنف گاه می‌تواند با جرایم علیه اشخاص، خواه علیه پیکره جسمانی خواه علیه پیکره روانی آن‌ها، همراه باشد. افزون بر این جرایمی چون آدم‌ربایی یا سرقت اموال نیز ممکن است در پیوند با این جرم روی دهند. سرانجام باید دانست که زنا در بیشتر نظام‌های کیفری به دو گونه طرفینی یا مبتنی بر رضایت بزه‌کار و بزه‌دیده از یک سو و زنا‌ی به عنف تقسیم می‌شود. از همین رو، هنگام واکاوی پرونده زنا تعیین طرفینی یا به عنف بودن آن اهمیت فراوان دارد. همان‌گونه که برخی از حقوق‌دانان جرایم منافی عفت را به هر گونه رابطه جنسی غیر متعارف که مجاز نباشد تعریف کرده‌اند (شامبیاتی، ۱۳۸۵، ج ۹: ۵۴۴).

## ۲. مبانی سزادهی زنا‌ی به عنف

سزادهی بزه زنا‌ی به عنف از دیدگاه کیفری اسلام و ایران شامل مبانی کیفری و فقهی است. در ادامه مبانی گوناگون جرم‌شناختی و فقهی این بزه از نظر گذرانده می‌شود.

### ۱.۲. مبانی جرم‌شناختی

مبانی جرم‌شناختی شامل تقلید و خطرناکی در علوم جنایی است.

#### ۱.۲.۱. تقلید

تقلید نظریه‌ای جرم‌شناختی است که در قلمرو نظریات یادگیری اجتماعی قرار می‌گیرد و در این زمینه گفته شده انسان‌ها رفتارهای یک‌دیگر را الگوبرداری می‌کنند و بر حسب اینکه رفتار هدف مشروع یا نامشروع است جرم روی داده یا فقط رفتاری مجاز انجام شده است.

بدین ترتیب با توجه به اینکه رفتارهای جنسی افراد با احتمال تقلید بالایی رویارو است ارتکاب رفتارهای پرخطر، همانند زنا‌ی به عنف، ممکن است از سوی دیگران نیز دنبال شود. از همین رو سزادهی مناسب این بزه از سوی نظام کیفری ضروری به نظر می‌رسد (توسلی‌نیا، ۱۴۰۲: ۱۸).

#### ۱.۲.۲. خطرناکی در علوم جنایی

دیگر مبانی جرم‌شناختی سزادهی بزه زنا‌ی به عنف مفهوم خطرناکی است که در آغاز از سوی پیشگامان مکتب تحقیقی در ایتالیای امروزمین مطرح شد. این مکتب با رویکردهای دانش‌بنیان خود دوران جرم‌شناسی علمی را در جنوب اروپا آغاز کرد و در چارچوب مطالعات پیگیر فناوران خود آموزه‌های ماندگاری را در زمینه اصلاح و درمان بزه‌کاران و بالینی شدن جرم‌شناسی و حقوق کیفری مطرح کرد که تا روزگار ما نیز بر تارک نظام‌های عدالت کیفری سرتاسر جهان می‌درخشد (بهرامی، ۱۳۹۹).

آورده این مکتب روی‌آوری به ابزارها و راهبردهای مطالعاتی پوزیتیویستی و استفاده‌شده در علوم تجربی برای مطالعه پدیده مجرمانه بود. از دیدگاه این مکتب، جرم واقعی عینی، زنده، و ملموس در جامعه است و از همین رو همه روندهای مطالعاتی علت‌شناختی و نیز پاسخ‌دهنده به آن باید مبتنی بر مشاهده و مصاحبه باشد. پیشینه شخصیت بزه‌کار، محیط‌های گوناگون انتخابی یا تحمیلی که او در آن زیسته، و نیز وضعیت خانوادگی او مؤلفه‌هایی هستند که باید از سوی کنشگران نظام کیفری به منظور دستیابی به مناسب‌ترین و کارآمدترین گونه‌های پاسخ‌دهی به جرم مورد توجه قرار گیرند.

در این مکتب بزه‌کاران به دسته‌های مادرزاد، هیجانی، اتفاقی، دیوانه، و به‌عادت تقسیم می‌شوند. همچنین مفهوم حالت خطرناک در این دسته‌ها در صورت وجود برخی مؤلفه‌ها قابل تشخیص است که در این صورت باید اقدامات تأمینی و تربیتی را درباره آن‌ها اجرا کرد.

به طور کلی مفهوم خطرناکی در جرم‌شناسی ارتباطی ویژه با مفهوم جرم‌شناختی خطر دارد و به عبارت دیگر مجرمان افراد خطرناکی هستند که ریسک‌های غیر قابل قبول به شمار می‌آیند (پاک‌نهاد، ۱۳۸۸: ۳۱). از همین رو نظام عدالت کیفری باید

هم‌سو با رسالت بنیادین خود از یک سو به جرایم پیشینی آنان پاسخی درخور دهد و از سوی دیگر با توجه به خطر بزهکاری احتمالی و آتی آنان راهکارهای مناسبی را برای مدیریت و به حداقل رساندن این خطرات در پیش گیرد. بر پایه این مراتب، مرتکبان بزه زنا به عنف همواره خطرناکی بسیاری را از خود نشان می‌دهند که در صورت نادیده انگاشتن یا حتی نمایش پاسخ‌های ناتوان در برابر آن ممکن است از سوی دیگر افراد نیز دنبال شود. از همین رو ضرورت دارد تا آنجا که ممکن است پاسخ‌های کیفی کنشی و واکنشی کارآمدی در برابر این بزه نشان داده شود.

## ۲.۲. مبانی فقهی

افزون بر مبانی جرم‌شناختی، مبانی فقهی گوناگونی نیز برای سزادهی زنا به عنف وجود دارد که در ادامه بررسی خواهند شد.

### ۲.۲.۱. اصل لاضرر

یکی از قواعد فقهی مهم را باید اصل لاضرر دانست که می‌تواند مبنایی فقهی برای بزه زنا به عنف نیز در نظر گرفته شود. بنابراین، حتی در صورت نبود نصوص قانونی مورد انتظار درباره بزه خاصی در فقه اسلامی نیز می‌توان بر این باور بود که می‌توان بر پایه اصول کلی و قواعد فقهی به اجرای این نهاد که سودمندی‌های آن بر پایه مبانی پیش‌گفته آشکار است پرداخت. این قاعده بیش از هر چیز مبنایی عقلی دارد. در واقع، از جمله قواعدی که در تعدیل یا تکمیل نصوص شرعی کاربرد مؤثر دارد و احکام فرعی فراوانی از آن متفرع شده است قاعده لاضرر یا قاعده نفی ضرر است. با آنکه نصوص شرعی متعددی به عنوان مدرک قاعده یادشده مورد استناد فقها واقع شده است، بدون تردید، قبح ضرر و حسن جلوگیری از آن و در نتیجه نهی از اضرار از احکامی است که عقل، صرف‌نظر از متون شرعی یا ادله نقلی، به آن حکم می‌کند و از مستندات عقلیه است. در واقع باید پذیرفت که لزوم جبران ضرر یک مسئله عقلی است و عقل در این خصوص بین امور وجودی و عدمی تفاوتی نمی‌گذارد (یثربی و محمودی، ۱۳۹۷: ۱۰۵).

قاعده لاضرر یکی از چهار یا پنج قاعده کلی است که بسیاری از فقه‌های اسلام آن را اساس تشکیل فقه دانسته‌اند. از این رو، بررسی و مطالعه این قاعده در مذاهب فقهی و در نتیجه بهره‌مندی از نظرات در ابعاد مختلف آن ضروری به نظر می‌رسد. این قاعده مهم‌ترین مستند برای جلوگیری از اعمال ضرری است و از هر ضرر مادی و معنوی به آبرو و مال و جان مؤمنان منع می‌کند (مظلوم و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷). از همین رو مطالعه جلوه‌های آن در نظام حقوق عرفی و از جمله راهبردهای نظام کیفری در برابر پدیده‌ای همانند زنا به عنف نیز وجاهت لازم خود را دارد.

با توجه به اینکه زنا به عنف به دلیل ویژگی ریسک بالای خود، که در مبحث پیش‌پیش‌بدان پرداخته شد، ضررهای بسیار و حتی گاه جبران‌ناپذیر برای بزه‌دیده به همراه دارد، قاعده لاضرر اقتضا دارد در برابر آن پاسخ‌های کنشی و واکنشی مناسبی در پیش گرفته شود.

### ۲.۲.۲. ارزشمندی عفت و پاکدامنی در اسلام

در اسلام، رعایت عفت و پاکدامنی، خواه برای مردان خواه برای زنان، الزامی ویژه است که به گونه‌ای آشکار برآیندهای مهمی را نیز به همراه دارد. پیشوایان دینی همواره بر ضرورت رعایت عفت تأکید کرده و مسلمانان را به پرهیز از انجام دادن رفتارهای منافی و مخالف با آن فراخوانده‌اند. در اسلام، زنان تاریخ‌سازی چون حضرت آسیه، حضرت خدیجه، و حضرت زهرا<sup>(س)</sup> با ویژگی عفت و پاکدامنی آشکار خود معرفی شده‌اند.

بدین ترتیب از آنجا که ارتکاب زنا به عنف بارزترین چهره از نقض این ارزش در جامعه است طبیعی است مجازاتی سخت برای آن در نظر گرفته شود.

### ۲.۲.۳. قبح روابط نامشروع

در آموزه‌های فقهی روابط نامشروع همواره بسیار سرزنش شده است؛ چنان که در قرآن کریم نیز با نهی اختیار دوست پنهانی در عبارت «لامتخذی الاخذان» این قبح نشان داده شده است.

از آنجا که زنا‌ی به عنف بالاترین و شدیدترین حالت از رابطه نامشروع است و حتی زنا‌ی طرفینی نیز همان‌گونه که در مبحث نخست گفته شد ارتباط آشکار و ظریفی با زنا‌ی به عنف دارد، لازم است به مدیریت سزاوار آن پرداخته شود.

### ۳. علت‌شناسی زنا‌ی به عنف

پس از بررسی ویژگی‌ها، دیگر گام جرم‌شناختی برای یک بزه مطالعه علل احتمالی ارتکاب آن است. در این مبحث نیز هر یک از علل زنا‌ی به عنف بررسی می‌شود.

#### ۱.۳. نبود تربیت و آموزش جنسی مناسب

یکی از بایسته‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان برخورداری وی از آموزش و تربیت جنسی است تا از این راه به میان‌کنش سازنده با دیگران بپردازد و هر یک از زوایای زندگی خود را به‌خوبی پیش برد. با وجود این، کاستی در راه انجام دادن این کارویژه می‌تواند از جمله به رخداد جرایم جنسی منجر شود. چون بر پایه واقعیات فیزیولوژیک در نیرو یافتن غریزه جنسی و حتی گاه رخداد فشارهای گوناگون جسمانی و روانی بر انسان از این رهگذر تردیدی نیست.

بدین ترتیب فرد برای گریز از این تکانش‌ها به ارتکاب زنا و از آن جمله زنا‌ی به عنف می‌پردازد. حال آنکه در صورت برخورداری یا آموزش و تربیت درست جنسی امکان داشت چنین پیامد سهمگینی که افزون بر بزه‌دیده دیگر اعضای جامعه را نیز از خود متأثر می‌سازد روی ندهد.

#### ۲.۳. چالش‌های فراروی ازدواج

از دیرباز چهره متعارف و سنتی برآوردن میل و نیاز جنسی در انسان ازدواج بوده است. اگرچه این پدیده چهره‌های گوناگونی داشته است، در هر صورت، راهی مناسب برای پیشگیری از زنا دانسته می‌شده است. با وجود این، امروزه این واقعیت پذیرفته شده است که ازدواج نکردن و گاه ازدواج نادرست می‌تواند به نوبه خود به رخداد هر یک از جرایم جنسی و از آن جمله زنا‌ی به عنف نیز منجر شود. از همین رو در روایات بر گزاره‌هایی چون ساده‌سازی ازدواج تأکید شده است.

### ۴. پیشگیری از زنا‌ی به عنف

پیشگیری در دانش جرم‌شناسی به دو گونه کیفری و غیر کیفری تقسیم می‌شود. در این مبحث، گونه‌های پیش‌گفته از زنا‌ی به عنف واکاوی می‌شوند.

#### ۱.۴. پیشگیری کیفری از زنا‌ی به عنف

منظور از پیشگیری کیفری کیفیت بخشیدن به واکنش اجتماعی در برابر یک بزه است. از این دیدگاه با استفاده از آموزه‌های دانش کیفرشناسی باید به کیفی‌سازی مجازات یک بزه پرداخت تا از این راه هر یک از اهداف مقرر از پیش‌بینی آن به طور کامل تحقق یابد.

با توجه به پیش‌بینی مجازات اعدام برای مرتکب زنا‌ی به عنف تردیدی وجود ندارد که اجرای این مجازات و خودداری از عدم احراز ویژگی عنف در موارد واقعی آن به منظور گریز از اعدام می‌تواند در راه پیشگیری کیفری از این بزه تأثیر فراوانی داشته باشد.

#### ۲.۴. پیشگیری غیر کیفری از زنا‌ی به عنف

پیشگیری غیر کیفری از زنا‌ی به عنف دارای سه گونه موقعیت‌مدار و اجتماعی و زودرس است که در ادامه از نظر گذرانده می‌شوند.

## ۴.۲.۱. پیشگیری موقعیت‌مدار

اولین دسته از پیشگیری‌های جرم‌شناختی پیشگیری موقعیت‌مدار یا وضعی است که گاه پیشگیری فنی از جرم نیز خوانده می‌شود. این گونه از پیشگیری به‌ویژه با توجه به سادگی و در دسترس بودن خود برای عموم شهروندان در کانون توجهات نویسندگان جرم‌شناسی و نیز نهادهای اجرایی قرار گرفته است.

در این نوع پیشگیری، فرایند گذار از اندیشه به عمل مجرمانه آماج سیاست‌گذاری کنشگران سیاست جنایی قرار می‌گیرد. اقدامات وضعی پیش‌گیرنده ناظر به اوضاع و احوال و شرایطی است که بزهدار را در آستانه ارتکاب جرم قرار می‌دهد. بدین ترتیب مداخله در شرایط پیش از جرم بنیادی‌ترین ویژگی پیشگیری‌های موقعیت‌مدار است که باید بر پایه هر جرم به گونه‌ای افتراقی و متناسب با آن انجام شود.

پیشگیری وضعی به عنوان یکی از روش‌های پیشگیری با چالش‌هایی نیز رویاروست. با وجود این چالش‌ها، باز هم باید پیشگیری موقعیت‌مدار از جرایم گوناگون و از جمله جرایمی چون زنا به عنف را در شمار بایسته‌های مهم مدیریت کیفی در این زمینه دانست.

بنابراین، پیشگیری وضعی شامل مسئول کردن کل جامعه در قبال خطر مجرمانه و خطر بزهدیده‌شناختی می‌شود؛ به گونه‌ای که شهروندان، خود، در مراقبت از خود و اموال مشارکت کنند. بنابراین همان‌گونه که آشکار است تأثیر این نوع پیشگیری در جهت نگاهداری نظم و امنیت و پیشگیری از تکوین بزهداری بسیار ملموس و مستقیم است.

از چشم‌انداز اجرای رهیافت پیشگیری موقعیت‌مدار در برابر زنا به عنف، برای نمونه، استفاده سازه‌های نظام عدالت کیفری و نیز دیگر نهادهای هم‌پیوند از فناوری‌های نوین برای رهگیری کنش‌های مجرمان در راه پیشگیری از این جرم بسیار اثرگذار است؛ چنان که با استفاده از این فناوری‌ها می‌توان حتی احتمال ارتکاب زنا به عنف را از سوی افرادی که در معرض خطر ارتکاب این بزه هستند سنجید و متناسب با آن شیوه‌هایی سزاوار را در پیش گرفت.

## ۴.۲.۲. پیشگیری اجتماعی

در نوشتگان جرم‌شناسی، پیشگیری اجتماعی<sup>۱</sup> در برابر پیشگیری وضعی به کار می‌رود و به دو دسته اجتماع‌مدار و رشد‌مدار تقسیم می‌شود. پیشگیری اجتماعی بر رویکرد عوامل بزهداری مبتنی است و به دنبال تعیین عوامل بزهداری و سازمان‌دهی برنامه‌هایی به منظور مقابله با آن و تغییر شرایط اجتماعی-اقتصادی نامناسبی است که فرد در آن زندگی می‌کند و منشأ رفتارهای ضداجتماعی وی می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۹).

بدین ترتیب جرمی همانند زنا به عنف نیز با توجه رخداد مخاطرات گوناگون جرم‌شناختی خود باید از چشم‌انداز اجرای این رهیافت مورد توجه قرار گیرد تا از این راه بتوان افزون بر پیشگیری موقعیت‌مدار راهبرد مناسب دیگری را برای کوشش در راه کاستن از پیامدهای گوناگون نامطلوب آن در نظر داشت.

بدیهی است، جهت به‌کارگیری ابزارهای پیشگیری اجتماعی، داشتن شناختی ژرف از ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه هدف امری بسیار مهم است. اما، در همین زمینه، باید با بهره‌گیری از سیاستی همه‌جانبه و ساختارمند از فاصله‌گذاری سیاست‌های تقنینی و اجرایی جلوگیری کرد. در نتیجه در هر مورد برای پیشگیری اجتماعی از رخداد زنا به عنف مناسب است چگونگی کاستن از احتمال رخداد خاستگاه‌های گوناگون آن را نیز در نظر داشت. چون تردیدی وجود ندارد که پیروزمندی در راه اجرای پیشگیری‌های گوناگون جرم‌شناختی و از جمله پیشگیری اجتماعی از جرایم و زمینه‌های متعددی که در راه رخداد زنا به عنف اثر دارد بی‌گمان بر شمارگان ارتکاب این دسته از جرایم نیز پیامدی آشکار می‌گذارد و جامعه را از گزند هزینه‌های گاه سنگین ناشی از این‌گونه جرایم ایمن نگاه می‌دارد (بهرامی، ۱۳۹۹).

در کنار این امر باید به فرهنگ و دیگر وجوه زندگی انسانی در یک مکان نیز توجه داشت. از این راه می‌توان، با توجه به نوع بزه مشمول تدابیر پیشگیری اجتماعی، ضریب کامیابی این تدابیر را تا میزان نمایانی بالا برد. مثلاً، راهبردهای مربوط به پیشگیری اجتماعی از جرایم نمی‌تواند در کشورهای گوناگون به یک شکل اجرا شود؛ امری که به طور شفاف مورد تأکید سازمان

1. social prevention



ملل متحد نیز قرار گرفته و بومی سازی این راهبردها پیش بینی شده است. این بومی سازی در یک کشور نیز باید هنگام مبارزه با خشونت جنسی علیه زنان و از جمله زنا به عنف مورد توجه قرار گیرد. چون جوامع محلی هر یک مقتضی رخداد گونه‌های خاصی از یک جرم هستند و در نتیجه پاسخ‌دهی کنشی بدان نیز باید در بسیاری از موارد همین گونه باشد.

اعلامیه کنگره چهارم پیشگیری از جرم، که به اعلامیه توکیو مشهور شد و در ۲۱ می ۱۹۷۱ در قالب قطعنامه به تصویب رسید، تأکید می‌کند تدابیر مؤثر باید به منظور هماهنگ کردن و تشدید تلاش‌های معمول در قلمرو پیشگیری از جرم مناسب با فضای توسعه اقتصادی و اجتماعی، که هر کشور برای خود برنامه‌ریزی کرده است، اتخاذ شود. در غیر این صورت ممکن است پاسخ‌های کنشی پیش‌گفته هرگز به رخداد پیامدهای مورد انتظار در راه کنترل جرایم مد نظر منتهی نشود.

بنابراین، هنگام رویارویی با جرایم گوناگون در آغاز باید همه جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی یک کشور، منطقه پیرامونی، و در پایان نظام جهانی به دقت ارزیابی شود و در کنار بهره‌گیری از پاسخ‌های سازگارانه پیش‌گیرنده و سرکوبگرانه در برابر آن از پاسخ جایگزین، که در نظام‌های دیگر وجود دارند، نیز در صورت لزوم استفاده شود.

در این زمینه، انجام دادن پژوهش‌های میان‌رشته‌ای و به‌ویژه الگوگیری از دستاوردهای جرم‌شناختی دیگر کشورها می‌تواند بسیار مناسب و سودمند باشد؛ به‌ویژه، در پرتو جهانی شدن جرم و حقوق کیفری، همکاری‌های بین‌المللی پیش‌گفته می‌تواند نظام‌های عدالت کیفری را در برابر پیامدهای گوناگون جرایم پیروزمند سازد.

در این صورت، با توجه به اثرگذاری بیش از پیش انگاره‌های جامعه‌شناختی در آورده‌های جرم‌شناسی، می‌توان انتظار داشت که راهبردهای پیشگیری اجتماعی از جرایمی چون زنا به عنف و جرایم هم‌پیوند آن نیز در پرتو پیمایش‌های تطبیقی جرم‌شناختی از جوامع دیگر به کشورمان وارد شود.

#### ۳.۲.۴. پیشگیری زودرس

پیشگیری زودرس ناظر به کودکان و نوجوانان است و می‌کوشد، با ارائه رهنمودهای متناسب، از ارتکاب جرم از سوی آنان پیشگیری کند. پیشگیری از زنا به عنف نیز افزون بر گونه‌های موقعیت‌مدار و اجتماعی می‌تواند از راه پیشگیری زودرس نیز انجام شود.

در این زمینه، نهادهای خانواده و نظام آموزشی باید با نمایش آشکار پیامدهای گوناگون جسمانی و روانی و اجتماعی زنا به عنف کودکان را از مخاطرات این بزه آگاه کنند تا احتمال روی‌آوری آنان به این بزه تا اندازه بسیاری کاهش یابد.

#### نتیجه

یکی از مسائلی که اخیراً مورد توجه بیشتر حقوقدانان قرار گرفته است جرم‌زدایی و کاهش هنجارشکنی در جوامع است و این مسئله به طور چشمگیری در ادامه این نقل معروف که «پیشگیری بهتر از درمان است» دنبال می‌شود و خوشبختانه امروزه نهادهای مختلف اجتماعی و حقوقی و اجرایی در سرتاسر کشور تلاش خود را بر این قرار داده‌اند که به پیشگیری از هر نوع بزه و ناهنجاری بپردازند و زمینه‌های مختلف مربوطه را فراهم کنند و تا جایی که ممکن است کاهش جرم را در برنامه‌های خود قرار می‌دهند و در نهایت به آخرین اقدامی که می‌پردازند کیفردهی و مجازات مرتکبان به منظور تأدیب و ممانعت از بروز مجدد جرم است. کیفردهی مرتکبان جرایم جنسی همواره با چالش‌های ویژه‌ای همراه بوده و البته مقتضیات خاصی نیز داشته است. چون این جرایم با نقض حقوق بنیادین انسان در پیوند با غریزه جنسی، که خود البته آمیخته با ویژگی‌هایی چون شرم و حیاست، ارتباطی آشکار دارد.

در میان جرایم جنسی، زنا و آن هم زنا به عنف بیش از دیگر گونه‌ها دغدغه قانونگذاران و حقوقدانان کیفری و افکار عمومی برای پاسخ‌دهی مناسب بدان بوده است. از همین رو، مطالعه جرم‌شناختی این جرم که ناظر به علت‌شناسی و نیز پاسخ‌شناسی آن است می‌تواند در پردازش سزاوارترین راهکارهای مهار این جرم نقشی مهم داشته باشد و امیدواری‌ها را برای مدیریت کیفری مناسب آن افزایش دهد.

در این میان، زنا به عنف در جایگاه شنیع‌ترین گونه از جرایم جنسی با واکاوی‌های جرم‌شناختی و سپس بهره‌گیری نظام

کیفری از دستاوردهای آن می‌تواند به گونه مناسب‌تری مدیریت شود و برآیندهای مهمی را پدیدار سازد. شکوفایی نظری و عملی دانش جرم‌شناسی چشم‌اندازهای نوینی را برای پاسخ‌دهی سزاوار نظام‌های کیفری در برابر هر یک از اشکال جرم گشوده و امیدها را برای اجرای پیروزمندانه راهکارهای مدیریت کیفری افزایش داده است.

از میان گونه‌های پیشگیری در برابر زنا به عنف، اتکا به پیشگیری کیفری نمی‌تواند لزوماً کارساز باشد. البته این سخن به مفهوم نادیده انگاشتن اهمیت بازدارندگی عام و خاص از زنا به عنف، که بی‌گمان با تحمیل مجازات مناسب بر مرتکب به دست می‌آید، نیست. به بیان دیگر، پیامدهای زیانبار زنا به عنف تا آن اندازه زیاد است که به جای تمرکز بر مجازات مرتکب باید درصدد پیشگیری از آن بود. انواع گوناگون پیشگیری جرم‌شناختی از زنا به عنف که در این نوشتار از آن سخن گفته شد می‌تواند با کاستن از احتمال ارتکاب این جرم مانعی مهم در برابر پیامدهای خطرناک پیش گفته باشد.

همانند هر یک از دیگر جرایم، زنا به عنف نیز معلول عوامل فردی و اجتماعی گوناگون است. شناسایی دقیق این عوامل می‌تواند به اجرای کارآمدترین روش پیشگیرانه در برابر آن بینجامد و تا آنجا که ممکن است مانع از تحقق پیامدهای خطرناک آن شود. برای دستیابی به این هدف، آگاهی از هر یک از ویژگی‌های گوناگون زنا به عنف و سازماندهی روندهای پاسخ‌دهی کنشی یا پیشگیرانه در برابر آن بسیار اهمیت دارد و مدیریت کیفری سزاوار آن را به همراه می‌آورد.

بر مبنای یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود با بهره‌گیری از رویکردهای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای عوامل محیطی اثرگذار در ارتکاب زنا به عنف شناسایی و راهبردهای پیشگیرانه مناسب با توجه به آن‌ها تدوین شود. افزون بر این، لازم است با تقویت نهاد خانواده به عنوان واحد بنیادین جامعه اسلامی تا آنجا که ممکن است در راه مهار هر چه بیشتر زمینه‌های گوناگون هر یک از جرایم جنسی و از جمله زنا کوشش شود. دین مبین اسلام نیز در خصوص پیشگیری از زنا به عنف این‌گونه به زنان مؤمن دستور می‌دهد که هر گونه بهانه و مستمسکی را از دست مفسده‌جویان بگیرند. در واقع، مطابق آیات قرآن کریم، گام اول رعایت حدود و پوشش از سوی زنان مؤمن است. پس چنانچه افراد فاسد اذیت و آزار کردند آنان را مطابق احکام اسلامی به اشد مجازات محکوم می‌کند و بهانه را از افراد فاسق می‌گیرد. مطابق دستورهای دینی اسلام، زنان مسلمان نباید در پوشیدن حجاب سهل‌انگاری و بی‌اعتنایی کنند که توجه افراد فاسد جلب شود.

اگر تدابیر اساسی جهت پیشگیری از زنا به عنف در سیاست کیفری اسلام و ایران اتخاذ نشود و امنیتی در جامعه وجود نداشته باشد و سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی نیز برای پیشگیری از وقوع جرم زنا به عنف کوشش نکنند، بر شدت و وخامت پیامدهای ناشی از آن افزوده می‌شود. پیشگیری شامل اقدامات و تدابیر و سیاست‌هایی است که برای جلوگیری از جرم زنا به عنف به کار گرفته می‌شود و در واقع هدف از وضع قوانین و مجازات و اجرای آن در سیاست کیفری اسلام و ایران نیز جهت پیشگیری از زنا به عنف به زنان مؤمن دستوری می‌دهد که هر گونه بهانه و مستمسکی را از دست مفسده‌جویان بگیرند و در پوشیدن خویش و رعایت حجاب سهل‌انگاری نکنند و به اصول و مبانی دینی پایبند باشند.

## منابع

- ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۰). جرم شناسی پیشگیری. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- حسانی، جلال‌الدین؛ میرخلیلی، سید محمود و نظری‌نژاد، محمدرضا (۱۴۰۰). رهیافت مدیریت ریسک جرم و جلوه‌های آن در نظام عدالت کیفری ایران. *حقوق کیفری*، ۱۲(۱)، ۲۷ - ۵۲.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۵). *حقوق کیفری اختصاصی*. تهران: ژوبین.
- کاظمی، سید سجاد؛ چگینی، حامد؛ احمدیانی، محمدامین و فرزانه، نغمه (۱۴۰۰). بازپژوهی فقهی پذیرش توبه در زناى به عنف؛ با تکیه بر مفهوم و معیارهای تمییز حق الله یا حق الناسی بودن جرائم. *فقه جزای تطبیقی*، ۱(۱)، ۱ - ۱۶.
- مظلوم، علی‌رضا و دیگران (۱۳۹۶). تبیین قاعده لاضرر و لاضرار در مباحث فقهی. *پژوهش ملل*، ۲(۳۳)، ۱۷ - ۳۰.
- ولیدی، محمدصالح (۱۳۸۰). *جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی*. تهران: امیرکبیر.
- یثربی، سید علی‌محمد و محمودی، جواد (۱۳۹۷). اثبات حکم با قاعده لاضرر. *پژوهش‌های فقهی*، ۱۴(۱)، ۱۰۵ - ۱۲۵.
- Ebrahimi, Sh. (2011). *Prevention criminology*. Trhran: Publications of Mizan Legal Foundation. (in Persian)
- Hassani, J., Mirkhalili, S.M., & Nazarinejad, MR. (2021). Risk Management Approach and its Effects on Iran's Criminal Justice System. *Criminal law Research*, 12(1), 27-52. (in Persian)
- Kazemi, S.S & Chegini, H. & Ahmadiani, M.A. & Farzaneh, N. (2021). Juridical Re-examination of Accepting Repentance in Rape. *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 1(1), 1-16. (in Persian)
- Mazloom, A.R. et al. (2017). Explanation of the rule "La Zarar va La zerar" in Jurisprudential topics. *Journal of research of nations*, 2(23), 17-30. (in Persian)
- Piquero, A. (2016). *The Handbook Of Criminological Theory*. London: Sage Publication.
- Shambayati, H. (2006). *Dedicated criminal law*. Tehran: Xhoobin. (in Persian)
- Validi, M. (2000). *Crimes against chastity and public morality*. Tehran: Amir Kabir. (in Persian)
- Yathrebi, A.M. & Mahmoodi, J. (2018). Proving the Judgment by No-Harm Rule. *Islamic Jurisprudence Research*, 14(1), 105-125. (in Persian)